

### نکته ۳:

چنانکه گفتیم عقل در بحث ما دارای دو حکم است:

الف) اصل وجوب تحصیل مؤمن از عقاب الهی (وجوب عقلی)

ب) تخییر بین سه فرض (اجتهاد، تقلید، احتیاط) برای تحصیل مؤمن (تخییر عقلی)

به نظر می‌رسد شارع در محدوده حکم اول (اصل وجوب عقلی) نمی‌تواند دخالتی کند. و حتی اگر «ایجاب شرعی تحصیل مؤمن» هم از ناحیه شارع وارد شده باشد (مثل اینکه شارع بگوید «اطیعوا الله» و یا بگوید «اتقوا ناراً» و قودها الناس و الحجاره» و ...)، این اوامر و نواهی، ارشادی است.

اما درباره اقسام ثلاثه، شارع می‌تواند چیزی را به عنوان مؤمن جعل کند. و لذا از این جهت شارع می‌تواند برای «مؤمن»، مصداقی را تعیین کند. و به همین جهت ممکن است بتوان به وسیله ادله شرعی، حجیت تقلید یا اجتهاد را ثابت کرد. (در حالیکه عقل، آن را مؤمن نداند) (با این حساب اگر شارع چیزی را به عنوان مؤمن جعل کرده باشد، این جعل شارع، وارد بر حکم عقلی (وجوب تحصیل مؤمن) می‌شود)

به عبارت دیگر، عقلاً ما بین مصدایق مؤمن مخیر هستیم ولی اینکه چه چیزی مصداق است را شارع می‌تواند معین کرده و جعل کند. ولی با این حال و علیرغم «جعل چیزی به عنوان مصداق توسط شارع»، ضرری به عقلی بودن تخییر وارد نمی‌شود.

### نکته ۴:

اینکه می‌گوییم «بعد از مواجهه مکلف با علم اجمالی به تکالیف الهی، عقل مکلف، بر او واجب می‌کند که به دنبال مؤمن برود و بعد همان عقل برای تحصیل مؤمن، او را مخیر بین ۳ راه می‌کند»، به این معنی نیست که از همان ابتدا مکلف می‌تواند به هر کدام از این ۳ راه اقدام کند. چرا که روشن است که «مجتهد شدن» زمان‌بر است و همینطور تقلید هم اگرچه محتاج زمان کمتری است ولی باز هم مکلف محتاج زمان است تا مرجع خود را بیابد و به نظرات او آگاه شود.

پس یا مکلف باید قبل از بلوغ، به اجتهاد و تقلید اقدام کند و یا در ابتدای بلوغ احتیاط کند تا بتواند به فتوای مرجع دست یابد و یا بتواند به درجه اجتهاد نائل شود.

### نکته ۵:

چنانکه در ابتدای بحث گفتیم، جای این سوال باقی است که آیا اقسام ثلاثه (اجتهاد، تقلید، احتیاط) در رتبه واحد هستند و یا بین آنها تقدم و ترتب است.

احتمالات قابل بحث را می‌توان چنین مورد اشاره قرار داد و آنها را در ضمن مسائلی مستقل بررسی کرد:

**الف)** کسی که می‌تواند احتیاط کند (یعنی احتیاط بر او متعذر نیست، نه از این جهت که باعث عسر و حرج و ضرر شود و نه از این جهت که موضوع دایره مدار بین محذورین باشد و نه از این جهت که راه و روش احتیاط کردن را نداند)؛

الف/۱) آیا جایز است تقلید کند؟

الف/۲) آیا جایز است به دنبال کسب ملکه اجتهاد برود تا بعد از این ملکه اجتهاد استفاده کرده و اجتهاد فعلی نماید و مطابق با فتوای خود عمل کند؟

الف/۳) آیا جایز است بالفعل اجتهاد کند (اگر دارای ملکه اجتهاد است) و به فتوای خود عمل کند؟

**ب)** کسی که می‌تواند تقلید کند:

ب/۱) آیا جایز است احتیاط کند؟

ب/۲) آیا جایز است به دنبال کسب ملکه اجتهاد برود تا بعد از این ملکه اجتهاد استفاده کرده و اجتهاد فعلی نماید و مطابق با فتوای خود عمل کند؟

ب/۳) آیا جایز است بالفعل اجتهاد کند (اگر دارای ملکه اجتهاد است) و به فتوای خود عمل کند؟

**ج)** کسی که دارای ملکه اجتهاد نیست ولی می‌تواند آن را تحصیل کند:

ج/۱) آیا جایز است احتیاط کند؟

ج/۲) آیا جایز است تقلید کند؟

**د)** کسی که دارای ملکه اجتهاد است ولی اجتهاد بالفعل نکرده است:

د/۱) آیا جایز است احتیاط کند؟

د/۲) آیا جایز است تقلید کند؟

**هـ)** کسی که بالفعل اجتهاد کرده است:

هـ/۱) آیا جایز است احتیاط کند؟

هـ/۲) آیا جایز است تقلید کنند؟